

گشایش درهای صنعت بیمه چین

دولت چین در حال کاهش تسلط خود بر بازار بیمه و فراهم نمودن زمینه برای رقابت و سرمایه گذاری خارجی می باشد. دکتر وان هونگ هو از سویس ری آسیا شروع آزمایشی بازار چین و چشم اندازهای آن را در مقابل همسایگان پیشرفته تر بررسی می کند.

تقریباً در حدود چهار دهه، مشخصه بازار بیمه چین، انحصار دولتی بوده است. زمامداران چین تا سال ۱۹۸۶ اجازه فعالیت بر سایرین را نمی دادند و انحصار فعالیت بیمه ای را به شرکت بیمه خلق چین منحصر کرده بودند. در سال ۱۹۹۲ درها به روی اولین بیمه گر خارجی گشوده شد. در سال ۱۹۸۶ حق بیمه ها فقط ۱/۲ بلیون دلار بودند. در آن زمان حق بیمه سرانه در حدود یک دلار و سهم حق بیمه در تولید ناخالص داخلی ۰/۴ درصد بود.

به هر حال از سال ۱۹۸۶ بازار بیمه چین به چهارمین بازار آسیا با حق بیمه ای در حدود ۱۴/۴ بلیون دلار در سال ۱۹۹۸ تبدیل شد، اگر چه این پیشرفت هنوز هم در مقایسه با بازارات مثل بازار بیمه بلژیک پایین است. همراه با رشد قوی اقتصادی، در طول ۱۲ سال گذشته، بازار از یک متوسط نرخ رشد واقعی ۳۲٪ در سال بهره برده است. تعداد شرکت های فعال در

بازار بیمه از یک به ۲۱ رسیده است که شامل ۱۱ شرکت بیمه گر داخلی و شش شعبه خارجی و چهار شرکت با سرمایه گذاری مشترک بخش خصوصی و دولتی (joint Venture) می باشد. هم چنین مجوز فعالیت به پنج شرکت بیمه گر خارجی اعطا شده است، انتظار می رود که این شرکت ها خیلی زود فعالیت بیمه گری خود را شروع کنند. برخلاف سابقه عدم پیشرفت واقعی تجارت داخلی در بیشتر از دو دهه گذشته (۱۹۸۰-۱۹۵۹)، رشد فعلی چشم گیر بوده است. این توسعه پویا و ظرفیت آشکار بازار، در جذب بیمه گران خارجی ناتوان نبوده است: به طوری که در حدود ۱۱۳ بیمه گر جهانی از ۱۷ کشور جهان حضور خود را در چین اعلام نموده اند و امید است که در بهبود صنعت بیمه چین سهمی داشته باشند.

اگرچه شکی در این که این بازار یک میلیارد و دویست میلیون نفری (مصرف کننده ای) چین فرصت های متعددی را ارائه می دهد نیست، سوال سهم اینجاست که آیا این ظرفیت می تواند بالفعل گردد و در صورت مثبت بودن پاسخ کی می تواند بالفعل شود. اعتقاد بر این است که حجم فعلی بازار با ظرفیتی که اقتصاد نشان می دهد خیلی فاصله دارد، و در هر صورت بازار خیلی کوچک است. بر حسب شاخص های نفوذ بیمه ای حق بیمه سرانه، صنعت بیمه چین از بازارهای پیشرفته و حتی از

بسیاری از کشورهای پیشرفته آسیایی عقب افتاده است.

در سال ۱۹۹۷ حق بیمه سرانه ۱۱ دلار بوده است، در حالی که این رقم در امریکا بیش از ۲۵۰۰ دلار و در تایلند ۵۲ دلار بوده است. سهم حق بیمه ها، از $1/5$ GDP بوده است، که خیلی کمتر از سطح متوسط کشورهای غربی و تایلند که به ترتیب 8% و $2/4$ درصد بوده اند، است.

موانع رشد

صنعت بیمه چین نیز با همان چالش هایی روبه رو است که سایر کشورهای در حال توسعه با آن مواجه اند. آگاهی پایین مردم از ریسک، سرمایه های کوچک اندازه، تنوع محدود محصولات، نمایندگان بی تجربه، بعضی از این موانع هستند. با توجه به این حقیقت که بیمه داخلی چین در دو دهه گذشته رشدی نداشته است، یک کمبود جدی نیروی متخصص بیمه و سرمایه گذاران وجود دارد. بعلاوه یک بازار سرمایه توسعه نیافته نیز به طور چشم گیری فرصت های سرمایه گذاری بیمه گران را محدود می کند.

این مهم موانعی جدی را بر سر راه مدیریت دارایی - بدهی قرار می دهد و سودآوری کلی آن ها را کاهش می دهد قبل از ماه جولای، تمام بیمه گران در چین فقط مجاز

به سرمایه گذاری در اوراق قرضه دولتی جدای از سپرده گذاری در بانک ها بودند. که به علت کاهش نرخ بهره، بازده سرمایه گذاری صنعت روبه زوال گذاشت. ولی از جولای به بعد به بیمه گران اجازه سرمایه گذاری در اوراق قرضه شرکت های دارای رتبه اعتباری AA^+ یا بهتر، نیز داده شد، اگر چه این سرمایه گذاری ها محدود به حداکثر 2% دارایی ها می شود. به طور کلی کانال های سرمایه گذاری هم چنان خیلی محدود هستند که این امر محدودیت عمده ای برای بیمه گران داخلی به وجود می آورد. با چنین بازار سرمایه ای که نه از نظر سهام رشد یافته و بسیار پرتلاطم است و ترکیب شده با یک بخش توسعه نیافته دارایی های واقعی، قانون گذاران با معمای آزادسازی در محدودیت های سرمایه گذاری بدون این که مخاطره ای ثبات مالی بیمه گران داشته باشد مواجه هستند. در کشوری که برای چندین سال اقتصاد آن به طور متمرکز به صورت دولتی برنامه ریزی شده است و اکثر دارایی های کشور در اختیار دولت می باشد، به کارکنان شرکت های دولتی (SOE) نوعی از پوشش رفاهی تمام عمر ارائه می دهند. به دلیل این که دولت اکثر ریسک ها را به دوش می کشد آگاهی از ریسک در میان مردم و شرکت

های دولتی به صورت واقعی وجود ندارد. به عنوان مثال در رشته غیرزندگی، این موضوع باعث شده است که شرکت های دولتی مقدار محدودی از پوشش اموال و حوادث برای تحت پوشش قراردادادن خودشان در مقابل ریسک ها را به عهده بگیرند. به علاوه این محیط مشوق اندکی برای افراد جهت خرید بیمه نامه های عمر ارائه می دهد. ولی با روی زوال گذاشتن سود این شرکت ها تأمین رفاه کارکنان به طور فزاینده ای برای بسیاری از شرکت های دولتی زیانده ناممکن می شود. رشد در بازار بیمه زندگی به علت برخورداری از مشوق های قوی تر برای تأمین رفاه فردی در شرایط ناامنی شغلی و نااطمینان های مرتبط با سیستم رفاه اجتماعی در سال های اخیر چشم گیر بوده است. اصلاح مداوم ساختاری شرکت های دولتی، بهبود عملکرد از طریق کاهش هزینه ها، مبارزه با رشوه خواری و اعمال مدیریت خیلی کارا تر را هدف قرار داده است. با وجود این تاکنون خصوصی سازی شرکت های بزرگ دولتی که معرف سهم عمده ای از کل دارایی های ثابت چین می باشند به تعویق افتاده است. خصوصی سازی نه تنها منبع ترقی دهنده عملکرد عملیاتی بهتر خواهد شد بلکه مشوق ها را تغییر داده و تأکید بیشتری بر

مدیریت ریسک و پوشش بیمه ای خواهد نمود. با خارج شدن خصوصی سازی شرکت های دولتی از برنامه کار دولت و ورود اصلاحات شرکت های دولتی به یک تنگنا، رفع موانع رشد بیمه های غیرزندگی مستلزم صرف زمان خواهد بود.

این امر در نرخ های رشد بطنی بیمه های غیرزندگی سال های اخیر منعکس می باشد. در مقایسه با دوره رونق ۱۹۹۳-۱۹۹۰ هنگامی که بازار با نرخ واقعی ۳۱٪ در سال رشد می کرد حق بیمه های غیرزندگی با یک نرخ واقعی و اندک ۱/۴ درصد در هر سال بین سال های ۱۹۹۶ تا ۱۹۹۸ رشد کرد. تخمین اولیه سیاست گذاران بیمه چین (CIR)، برات پنج ماهه نخست سال ۱۹۹۹ رشد اسمی حق بیمه های غیرزندگی را فقط ۳ درصد بر مبنای سالانه نشان می دهد. در حالی که رقابت شدید در نرخ های حق بیمه جهت توسعه سهم بازار مسبب عملکرد ضعیف می باشد، نبود منابع کاری جدید می تواند علت مهمتری باشد.

محركه های رشد در آینده

عمده ترین نیروی پیش برنده حرکت اقتصادی کم کردن تصدی گری دولت است. در نتیجه، خصوصی سازی ریسک ها، ریسک آگاهی، مفهوم مدیریت ریسک و تقاضا برای پوشش

ریسک های مختلف را تقویت می کند. رشد اقتصادی ریسک های جدیدی را که نیاز به پوشش دارند، ایجاد می کند. مثلاً تجمع دارایی ها در نقاط مستعد برای خسارات فاجعه آمیز، تقاضای بیشتر برای پوششهای بیمه ای را به دنبال دارد. افزایش مالکیت خصوصی دارایی های غیرمنقول و افزایش سرانه وسایل نقلیه موتوری تقاضا برای پوشش های شخصی را در میان مدت تا بلند مدت افزایش می دهد. به علاوه عملکرد مناسب مکانیزم بازار مستلزم حاکمیت قوانین و مقررات است. هرچه استانداردهای قانونی ارتقا یابد، پوشش های حوادث رشد قابل ملاحظه ای را تجربه می کنند. سیستم های تأمین اجتماعی و مراقبت های بهداشتی به تدریج طی سال های اخیر تجدید ساختار شده است. روندهای اخیر یک تحول در انتقال مسئولیت از دولت به اشخاص و شرکتها را نشان می دهد. با در نظر گرفتن پا به سن گذاشتن سریع جمعیت و نااطمینان های آینده سیستم رفاهی تحت تصدی دولت، بیمه درمانی و زندگی بازرگانی (اختیاری) برای پر کردن فاصله پدیدار شده و فزاینده طراحی می شود. همراه سایر روندهای اجتماعی، نظیر سست شدن بنیان خانواده ها و کوچک شدن خانواده ها، بازار بیمه های درمانی و زندگی به طور گسترده ای رشد

خواهد کرد. به طوری که یک نرخ رشد واقعی سالانه ۴۲٪ را بین سال های ۱۹۹۶ تا ۱۹۹۸ نشان داده است. در سال ۱۹۹۷ سهم بیمه زندگی در کل بازار حق بیمه ها برای نخستین بار از بیمه های غیرزندگی فراتر رفت. رقم مزبور در سال ۱۹۹۸ به ۵۸٪ کل بازار رسید.

شناخت سریع جهانی شدن و انجام مالی امروزی ممکن است برای صنعت بیمه چین مفید باشد، و حتی به آن اجازه پیشی گرفتن از سایر کشورها را بدهد. آزادسازی محتاطانه بازار در طول چند سال گذشته کمک قابل ملاحظه ای به رشد نه تنها اندازه بلکه پیچیدگی بازار نموده است، نه مثلاً ورود شرکت AIA بازار بیمه شانگهای را از طریق سیستم نمایندگی فعال کرده است. امروز، فروش از طریق نمایندگی ها، کانال عمده توزیع بیمه های اشخاص در چین می باشد این نوآوری بیمه گران داخلی را نیز از مزایای خود بهره مند نموده است.

صنعت بیمه تازه ظهور چین ظرفیت رشد فوق العاده ای دارد. ولی مواجه با چالش های بسیاری است که بعضی از آن ها منحصر به این کشور بوده ولی بعضی از آن ها چالش هایی است که رودر روی اکثر کشورهای در حال توسعه است. با فرض حرکت اصلاحی به سمت یک اقتصاد بازارگرا، دورنمای بازار بیمه چین روشن است.

تغییر نقش ریسک پذیری از دولت به افراد و شرکت ها به طور اجتناب ناپذیری ریسک آگاهی را ارتقا داده و بازار بیمه را توسعه می دهد، هر چه قدر تصدی گری دولت کمتر شود بازار زودتر از آنچه که انتظار می رود توسعه خواهد یافت.

مترجم: حجت ا... گودرزی

منبع: The Review, Sep 1999, P. 45, 46.

ریسکهای غذایی

با توسعه تکنولوژی و فشارهای مدرنی که تغییراتی در زندگی ما ایجاد نموده است خطرات جدیدی پدیدار گشته است که می تواند ضررهای بالقوه فراوانی را داشته باشد. سارا ویسی سه موضوع جدید را بررسی کرده است.

غذاهای تغییر یافته ژنتیکی

هیجان اخیر که از مطبوعات انگلستان (UK) منشأ گرفته و دادخواهی در ایالات متحده شاهدهی برای گرفتاری های دامنه دار استفاده از غذاهای تغییر یافته ژنتیکی (GM) می باشد. با افزایش سطح آگاهی عمومی در استفاده از ارگانوسمهای تغییر یافته ژنتیکی بیمه گران و

مدیران ریسک بزودی مجبور خواهند شد که تلاش و توجه داشته باشند.

نمودارهای خطر در کشاورزی، صنایع دارویی و غذایی بسمت تغییر اساسی می باشد.

متأسفانه برای بیمه گران و مدیران ریسک، سابقه ای برای دنبال کردن وجود ندارد. بنا به یک مطالعه تحت عنوان مهندسی ژنتیک و بیمه های مسئولیت: قدرت آگاهی عمومی، از انتشارات سیگمای سوئیس ری: "در آغاز، تکنولوژی های جدید مثل مهندسی ژنتیک فاقد مزایا و کاستی های معمول هستند. راهی برای مقایسه نیست و در نتیجه برای امیدها و ترسها حدی نیست، استفاده های بالقوه و صدمات احتمالی ذاتا غیرقابل سنجش هستند. برای دنیای بیمه نقصان در تجربه خسارت مشخص و راههای محاسبه، منجر به تردید اساسی در قابلیت بیمه شدن چنین ریسکهایی گردیده است. اگر نمودار ریسک یک بخش بیمه شده تحت تغییرات دائمی باشد باید کاری کرد.

اما چنین پرسشی که آیا ریسکهایی برخاسته از مهندسی ژنتیک بیمه کردنی است یا قابل استثنا شدن است پیچیده می باشد. مطابق مطالعات سیگما: "صنعت بیمه ریسکهای مهندسی ژنتیک را به وضوح قابل تعریف نمی داند بلکه عمدتا آن را بعنوان تحول اجتماعی مبهمی بشمار می آورد. پیتر و اجریک، مشاور قانونی گروه فشار زیست